



# Common Islamic-Iranian Heritage and Foreign Policy Requirements of the Islamic Republic of Iran in Central Asia

Elaheh Kolaee <sup>1\*</sup>

Mohammad Sedaghat <sup>2</sup>

Received on: 26/01/2022

Accepted on: 15/08/2022

## Abstract

The creation of new republics in Central Asia after the Soviet government fall changed the geopolitics of northeast Iran. Thus, the borders of the region, formerly known as threatening borders, evolved as an opportunity to recreate Iran's role in an area outside of Iran's direct influence. The end of the eight-year war between Iran and Iraq and the independence of the Asian countries led Tehran to consider the republics of the region as a new and further opportunity. Throughout this period, with the rise of four constructive governments, reforms, principles, and the hope of relations with the Central Asian region in various political-security, economic and cultural areas. However, the achievements were not expected. Therefore, in this study, in a qualitative and descriptive-analytical approach, we seek to examine the desirable foreign policy pattern of the Islamic Republic of Iran in the Central Asian region, and we seek to answer the question that what the most appropriate approach to foreign policy to is secure the interests of the Islamic Republic of Iran in Central Asia? In response to this question, the hypothesis has been examined that the cultural approach is more capable of developing Iranian-Asian relations through the use of semantic components in the form of a joint Islamic-Iranian heritage than other approaches.

**Keywords:** Islamic Republic of Iran, Central Asia, Islamic-Iranian Heritage, Foreign Policy, Culture.

---

1\*. Professor of Tehran University Regional Studies Department.

(Corresponding Author: [ekolaee@ut.ac.ir](mailto:ekolaee@ut.ac.ir))

2. Ph.D Candidate of Tehran University Regional Studies. (Email: [M.Sedaghat@ut.ac.ir](mailto:M.Sedaghat@ut.ac.ir)).



# میراث مشترک اسلامی-ایرانی و بایسته‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

الهه کولایی<sup>\*۱</sup>

محمد صداقت<sup>۲</sup>

چکیده

ایجاد جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی در پی سقوط حکومت شوروی، ژئوپلیتیک مناطق شمال شرقی ایران را تغییر داد. به این ترتیب مرزهای این منطقه که تا قبل از این به عنوان مرزهای تهدید شناخته می‌شد تبدیل به فرصتی برای بازآفرینی نقش ایران در منطقه‌ای شد که حدود پنج سده خارج از نفوذ مستقیم ایران قرار داشت. هم‌زمانی پایان جنگ ۸ ساله ایران و عراق و استقلال کشورهای آسیای مرکزی سبب شد تهران جمهوری‌های این منطقه را به عنوان یک فرصت جدید و تازه مورد توجه قرار دهد. در تمام این دوران و با به قدرت رسیدن چهار دولت سازندگی، اصلاحات، اصول‌گرایی و تدبیر و امید روابط با منطقه آسیای مرکزی در حوزه‌های مختلف سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی پیگیری شد. با این وجود دستاوردها مطابق انتظار نبود. از این رو در این پژوهش که با روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است به دنبال بررسی الگوی مطلوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی هستیم و به‌طور مشخص به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که مناسب‌ترین رویکرد در سیاست خارجی برای تامین بیشینه منافع جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی چیست؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه بررسی شده است که رویکرد فرهنگی از راه به‌کارگیری مولفه‌های معنایی در قالب میراث مشترک اسلامی-ایرانی در مقایسه با سایر رویکردها از ظرفیت بیشتری برای توسعه روابط ایران و آسیای مرکزی برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، میراث اسلامی-ایرانی، سیاست خارجی، فرهنگ.

(صفحه ۱-۲۸)

\*۱. استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول: [ekolaee@ut.ac.ir](mailto:ekolaee@ut.ac.ir))

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران. ([m.sedaghat@ut.ac.ir](mailto:m.sedaghat@ut.ac.ir))

## مقدمه

بخش بزرگی از آسیای مرکزی از دیرباز جزئی از سرزمین ایران و خطه خراسان بزرگ به شمار می‌رفت. این سرزمین چندفرهنگی شامل اقوام متعدد و لهجه‌های گوناگون از پارسی و ترکی و آمیزه‌ای از فرهنگ‌های متنوع ایرانی و محلی بود. این منطقه هم‌چنین محل تلاقی ادیان مختلف به شمار می‌رفت. با این وجود همواره نفوذ فرهنگ ایرانی نیرومند بود (Golden, 2011: 1). پذیرش فرهنگ اسلامی و آمیختن آن با تمدن ایرانی، تاریخی باشکوه از این سرزمین برجای گذاشت به گونه‌ای که با وجود فشارهای دوران کمونیسم، ایران‌دوستی و اسلام‌خواهی در این مناطق حیات قوی دارد. فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش جمهوری‌های جدید در این منطقه چشم‌انداز مناسبی را برای نقش‌آفرینی تهران به وجود آورد. بی‌ثباتی سیاسی، اقتصاد شکننده و محصور بودن جغرافیایی؛ جمهوری‌های منطقه را که آمادگی قبول مسئولیت نقش دولت مستقل در نظام بین‌الملل را نداشتند با چالش‌های جدی مواجه ساخت. در میان همسایگان آسیای مرکزی، ایران با داشتن اقتصاد رو به رشد، دسترسی به آب‌های آزاد، مسیرهای حمل و نقلی مناسب و نزدیکی‌های فرهنگی گزینه‌ای مناسب برای توسعه روابط و کمک به گذار از دوره انتقالی پسااستقلال بود. این موضوع امید زیادی را در میان مقام‌های تهران برای تقویت حضور در آسیای مرکزی پس از حدود ۵ دهه فراهم کرد. با این حال پس از گذشت سه دهه از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و در مقایسه با کشورهای رقیب این نکته آشکار می‌شود که پیش‌بینی‌های اولیه بسیار خوش‌بینانه بوده است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در تمام سال‌های پسا فروپاشی با وجود کارشکنی‌های صورت گرفته از سوی ایالات متحده و حضور رقیب‌های منطقه‌ای، خود نیز دارای رویکرد منسجم و بلندمدتی در رابطه با منطقه آسیای مرکزی نبوده است. به بیان دیگر سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی دچار نوعی نابسامانی و آشفتگی رویکردی و گفتمانی است. از این رو در پژوهش حاضر به دنبال بررسی سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و ارائه رویکرد مناسب در جهت تامین منافع بیشینه تهران در این منطقه هستیم. به همین منظور در ابتدا اشاره‌ای به سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره چهار دولت سازندگی، اصلاحات، اصول‌گرایی، تدبیر و امید خواهیم داشت. سپس متغیرهای مختلف سیاست‌خارجی ایران در منطقه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در پایان نیز رویکرد مناسب سیاست‌خارجی برای تامین بیشینه منافع تهران در

آسیای مرکزی ارائه خواهد شد.

## الف - پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در حوزه روابط ایران و آسیای مرکزی را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

دسته نخست؛ پژوهش‌هایی که حوزه سیاسی-امنیتی را مورد توجه قرار داده‌اند. حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با بررسی علایق ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی به چگونگی تاثیر آن بر نقش‌آفرینی ایران در این منطقه پرداخته‌اند. دراج و انتصار (۲۰۱۳) در مقاله خود در این حوزه با بررسی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز بر رویکرد عملگرایانه تهران تاکید دارند. یزدانی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با توجه به معضل‌های سیاسی-امنیتی جمهوری‌های آسیای مرکزی به بررسی رویکرد امنیتی ایران نسبت به این منطقه پرداخته‌اند. کولایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با بررسی محیط امنیتی آسیای مرکزی ظرفیت‌های تهران در این زمینه را مورد توجه قرار داده‌اند.

دسته دوم؛ پژوهش‌هایی که در آن به مباحث اقتصادی توجه شده است. نورمحمدی (۱۳۷۳) در مقاله‌ای به بررسی ظرفیت‌های اقتصادی در روابط ایران و آسیای مرکزی پرداخته است. در پژوهشی دیگر، دامن پاک جامی (۱۳۸۸) با بررسی نقش دیپلماسی اقتصادی، تاثیر اقتصاد بر روابط ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی را مورد توجه قرار داده است.

دسته سوم؛ پژوهش‌هایی که بر حوزه فرهنگی تمرکز داشته‌اند. شکوهی و حاجی‌آبادی (۲۰۱۸) در پژوهشی با برشمردن پیوندهای فرهنگی ایران و آسیای مرکزی عوامل ناکامی تهران در بهره‌برداری از این ظرفیت را بررسی کرده‌اند. میرفخرایی و فیروزمنندی بندپی (۱۳۹۶) در نوشته‌ای به تحلیل دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. کیانی (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی دیپلماسی عمومی ایران در قبال جمهوری‌های آسیای مرکزی و ظرفیت‌ها و چالش‌های آن در این زمینه پرداخته است. در دو مقاله دیگر (دهشیری و همکاران (۱۳۹۹) و بصیری و همکاران (۱۳۹۹)) با مقایسه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی به ترتیب با دو کشور عربستان و ترکیه به ابزارها و اقدام‌های ایران در این زمینه پرداخته شده است. زرقانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با تمرکز بر

نقش دیپلماسی فرهنگی به بررسی روابط ایران و ازبکستان پرداخته‌اند. اندرسن (۲۰۱۹) در پژوهشی دیگر رویکرد فرهنگی در روابط میان ایران و تاجیکستان را مورد توجه قرار داده است. پژوهش‌های انجام شده به دلیل نبود نگاه نسبت به اولویت‌های سیاست‌ خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی دچار کاستی هستند. از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با بررسی متغیرهای موثر بر سیاست‌ خارجی ایران در آسیای مرکزی به نوعی الگوی نظام‌مند در رابطه با سیاست‌ خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه دست یابد.

## ب- بر ساخته‌گرایی و سیاست خارجی

بر ساخته‌گرایی از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد حوزه روابط بین‌الملل شد. این نظریه که در مقابل نظریه مادی‌گرای جریان اصلی روابط بین‌الملل مطرح شد، با رد برداشت‌های خردگرایانه، دیدگاهی منطقی-اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه می‌دهد که بر اهمیت ساختارهای هنجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل کارگزار-ساختار تاکید می‌کند. بر ساخته‌گرایی به عنوان یک پارادایم یا رهیافت نظری در روابط بین‌الملل، نتیجه مناظره خردگرایی و تامل‌گرایی یا بازتاب‌گرایی به ویژه پسانوشدگی است؛ به گونه‌ای که نقدهای تامل‌گرایی بر مبانی فرانظری و فلسفی خردگرایی، از یک سو و نقدهای تجربی و تحلیلی خردگرایی بر تامل‌گرایی رادیکال سبب شد که بر ساخته‌گرایی به عنوان یک رهیافت نظری بینابین این دو ارائه شود (Griffiths, 2007: 61).

نظریه بر ساخته‌گرایی با تاکید بر سرشت اجتماعی کنشگران و توجه به چگونگی شکل‌گیری هویت آن‌ها نگاهی نو در تجزیه و تحلیل سیاست‌ خارجی دارد. در این رویکرد بررسی سیاست‌ خارجی در چارچوب بازیگر خردمند که ریشه در منافع مادی دارد، برای ارزیابی رفتار سیاست‌ خارجی دولت‌ها ناقص و نارساست و نیاز به توجه به انگاره‌ها و هنجارها است که آثار عملی بر سیاست‌ خارجی دارد. در رویکرد بر ساخته‌گرایی هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ مردم نقش مهمی در سیاست جهانی دارند و منافع دولت‌ها متأثر از هنجارها و تعامل‌های فرهنگی است. در این رویکرد ساختارهای معنایی و چگونگی شکل‌گیری هویت دولت‌ها نقشی مهم در سیاست آن‌ها نسبت به دولت‌های دیگر دارند. بر ساخته‌گرایی سعی دارد تعریف هر دولت از هویت خود را بررسی کرده و چگونگی تأثیر عامل‌هایی چون فرهنگ، مذهب، قومیت، جنسیت، نژاد و ملی‌گرایی را بر

سیاست خارجی ترسیم کند (9: Khodaverdi and Shahmohammadi, 2017). به این ترتیب بر ساخته‌گرایی تنها پارادایمی است که به فرهنگ به عنوان عاملی راه‌گشا در فهم روابط بین‌الملل می‌نگرد. با توسعه نظریه بر ساخته‌گرایی از دهه ۱۹۹۰ مطالعات فرهنگی در روابط بین‌الملل گسترش یافت. بر ساخته‌گرایی به فرهنگ و هویت به عنوان سازنده سیاست بین‌الملل توجه ویژه‌ای دارد و بر آن است که حوزه سیاست خارجی باید با توجه به فرهنگ درک شود (عطایی و سادات واسعی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶).

دیپلماسی فرهنگی با اولویت به مولفه‌های معنایی در سیاست خارجی می‌تواند نقش زیادی در تحقق نگاه بر ساخت‌گرایانه از سیاست خارجی داشته باشد. آغاز دیپلماسی فرهنگی در سیاست بین‌الملل مدرن را می‌توان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول جستجو کرد. همه قدرت‌های بزرگ آن زمان (ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا) اقدام به توسعه روابط عمومی به عنوان بخشی از یک رفتار جدید دیپلماتیک با هدف کاهش تصاویر نامطلوب از کشور خود کردند (Otmazgin, 41: 2012). این نوع دیپلماسی بر مبنای مبادله‌های بین فرهنگی ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ بین ملت‌ها برای تقویت درک متقابل است. فرهنگ و رفتار سیاست خارجی را می‌توان به صورت مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اعتقادات، ارزش‌ها و نمادهایی برآورد کرد که از راه جامعه‌پذیری، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در حقیقت فرهنگ نوعی دادوستد معنا میان اعضای یک جامعه به شمار می‌رود. فرهنگ مشترک بین اقوام و کشورهای مختلف می‌تواند موضوع‌های سیاسی میان این کشورها را به عنوان یک درک متقابل مورد توجه قرار دهد (Natalia 11: Grincheva, 2015). فضای اعتمادی که در دیپلماسی فرهنگی در روابط دو کشور ایجاد می‌شود بسیار استوارتر از روابط اقتصادی و سیاسی بوده و می‌تواند همکاری بین دولتی را در زمینه‌های مختلف تقویت کند. این رویکرد تنها به حوزه فرهنگی محدود نیست چه بسا زمینه ساز بسیاری از پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی باشد (46: Xu, 2017).

اولویت قرار دادن ترجیح‌ها و اولویت‌های فرهنگی در تصمیم‌گیری‌ها، دستگاه سیاست خارجی را قادر خواهد ساخت با مخاطب قرار دادن و تاثیرگذاری بر افکار عمومی اهداف و منافع ملی خود را با کمترین هزینه دنبال کند. به این ترتیب گسترش فرهنگی، فرهنگ‌پذیری و تهاجم فرهنگی از اهمیت قابل توجهی در روابط میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برخوردار هستند. آنچه که در این میان مهم است؛ غنای فرهنگی است. روشن است که فرهنگ‌های انحطاط یافته محل اعراب نخواهد بود، بلکه

فرهنگ‌هایی موفق هستند که علاوه بر پویایی، عناصری قابل توجهی داشته باشند. این جذابیت‌ها را می‌توان در خلق انواع مختلفی از آثار هنری، علمی و تمدنی مشاهده کرد (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲). برپایه رویکرد برساخته‌گرایی به سیاست خارجی وجود میراث مشترک اسلامی-ایرانی حاکی از وجود ظرفیت‌های ویژه در حوزه فرهنگی میان ایران و آسیای مرکزی است؛ که در صورت بکارگیری رویکردهای مناسب در قالب دیپلماسی فرهنگی می‌تواند تاثیر به‌سزایی در توسعه روابط میان دو طرف داشته باشد.

### پ- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

پس از فروپاشی شوروی، جمهوری اسلامی ایران به سمت ملاحظه‌های ایدئولوژیک در روابط با جمهوری‌های آسیای مرکزی حرکت کرد. با سفر هاشمی رفسنجانی به آسیای مرکزی در اکتبر ۱۹۹۳ عمل‌گرایی تبدیل به محور سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی شد. توانمندسازی سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و نیز ساخت خط راه‌آهن مشهد- سرخس-تجن از مهم‌ترین بخش‌های همکاری‌های ایران و آسیای مرکزی در این دوره بود (Maleki, 2007: 179). رویکرد عملگرایانه ایران در آسیای مرکزی در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی نیز ادامه یافت. در دوره خاتمی علاوه بر منافع اقتصادی، پیوندهای فرهنگی- تمدنی نیز مبنای سیاست ایران در منطقه قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۸۴).

در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد با پذیرش رویکرد نگاه به شرق، آسیای مرکزی نیز مورد توجه ایران قرار گرفت. در این دوره شاهد برخی فعالیت‌های مهم در حوزه‌های عمرانی و ترانزیتی میان ایران و جمهوری‌های منطقه هستیم. در دولت یازدهم توافق بین ایران و کشورهای ۱+۵ فرصت حضور و نقش داشتن تهران در منطقه آسیای مرکزی را افزایش داد. با این وجود اولویت حل و فصل مسئله هسته‌ای در سیاست خارجی دولت تدبیر و امید و رویکرد نامتوازن سیاست خارجی در دوره پس‌ابرجام سبب کاهش توجه به منطقه آسیای مرکزی شد. تنها پس از خروج امریکا از برجام و به‌کار بردن تحریم‌های بی‌سابقه از سوی واشینگتن روابط با آسیای مرکزی در ماه‌های پایانی دولت روحانی بار دیگر مورد توجه قرار گرفت (Rahimi, 2021).

با روی کار آمدن دولت سیزدهم منطقه آسیای مرکزی در چارچوب اولویت توسعه روابط با

همسایگان مورد توجه دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. اولین سفر خارجی رئیسی در چارچوب شرکت در نشست سازمان شانگهای به تاجیکستان انجام شد. علاوه بر این سفر رؤسای جمهور قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان به ایران و امضای قراردادهای همکاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، انرژی، آموزشی و فرهنگی در کنار تلاش تهران برای حضور فعال در سازوکارهای منطقه‌ای مانند سازمان شانگهای، اکو و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی حاکی از نگاهی نو در دستگاه دیپلماسی ایران نسبت به این منطقه است.

## ت- متغیرهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

ایران همواره روابط با جمهوری‌های آسیای مرکزی را مورد توجه قرار داده است. دغدغه‌های سیاسی-امنیتی، منافع اقتصادی و پیوندهای فرهنگی مهم‌ترین زمینه‌های روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی بوده است.

### ۱- متغیر سیاسی-امنیتی

بنیادگرایی اسلامی، جرایم سازمان یافته، حضور نیروهای خارجی و مسائل مربوط به دریای خزر مهم‌ترین دغدغه‌های سیاسی-امنیتی ایران در منطقه آسیای مرکزی را شکل می‌دهند. فروپاشی شوروی زمینه را برای رشد بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی فراهم کرد. حضور این جریان‌ها از دو بُعد اندیشه‌ای و عملی تهدیدی برای منافع جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی است. از دیدگاه نظری خوانش این گروه‌ها از اسلام و تلاش برای زنده کردن خلافت اسلامی در مقابل رویکردهای رایج در جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. از نظر عملی نیز استفاده این گروه‌ها از ابزارهای خشونت‌آمیز بی‌ثباتی منطقه را در پی دارد که خطری جدی برای ایران است. علاوه بر این فروپاشی شوروی، آسان شدن تجارت موادمخدر به عنوان نمودی از جرایم سازمان یافته در آسیای مرکزی را به دنبال داشت. قاچاق موادمخدر نه تنها بر امنیت و ثبات آسیای مرکزی تأثیر گذاشته است، بلکه اثر نامطلوبی بر مناطق پیرامونی مانند چین، روسیه و ایران دارد (Mohapatra, 2007:168-169). ارتباط قاچاق موادمخدر با مسائلی چون تروریسم، بنیادگرایی اسلامی و قاچاق انسان در آسیای مرکزی آن را به پدیده‌ای چندوجهی تبدیل ساخته که تهدیدی علیه منافع تهران در این منطقه است. حضور



نیروهای خارجی به طور ویژه ناتو به رهبری ایالات متحده از دیگر دغدغه‌های امنیتی تهران در آسیای مرکزی است (کولایی، تیشه‌یار و محمدی، ۱۴۰۱). حضور ناتو در آسیای مرکزی سبب شد که سیاست‌های این سازمان از اهمیت ویژه‌ای در تصمیم‌گیری‌های دفاعی ایران برخوردار شود. علاوه بر این راهبرد جاده ابریشم نوین با هدف پیوستن جمهوری‌های آسیای مرکزی به منطقه زیر نفوذ امریکا، از دیگر محورهای مداخله‌های امریکا و ناتو است. تحقق این راهبرد حرکتی علیه چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران است (Chossudovsky, 2008).

منافع ایران در حوزه دریای خزر به دو بخش رژیم حقوقی دریای خزر و نظامی شدن آن تقسیم می‌شود. ایران معتقد است رژیم حقوقی خزر باید با اتفاق نظر همه کشورهای ساحلی به دست آید. نبود اجماع کامل میان کشورهای ساحلی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر سبب شده است که تقویت ناوگان نظامی مورد توجه کشورهای ساحلی قرار گیرد. ایران مخالف نظامی شدن خزر است. علاوه بر این تهران در کنار روسیه مخالف حضور قدرت‌های غیرساحلی در این منطقه است. تلاش ایالات متحده برای نفوذ در دریای خزر تهدیدی علیه امنیت ملی ایران و روسیه به شمار می‌رود (Kucera, 2012). در مجموع با نگاه به دغدغه‌های سیاسی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، پیوندهای زیادی میان اولویت‌های این کشور با دو قدرت روسیه و چین مشاهده می‌شود. از طرفی تهران در مقایسه با مسکو و پکن ظرفیت‌های مناسب در حوزه سیاسی-امنیتی منطقه‌ای ندارد؛ مسئله‌ای که به کاهش کنشگری ایران در این حوزه از تحولات آسیای مرکزی منجر شده است.

جدول شماره ۱- مقایسه پیوندها و ظرفیت‌های سیاسی-امنیتی روسیه، چین و ایران در آسیای مرکزی

ایران	چین	روسیه	
*	*	*	بنیادگرایی اسلامی
*	*	*	جرایم سازمان‌یافته
*	*	*	حضور نیروهای خارجی
*	-	*	مسائل حوزه دریای خزر
-	*	*	سازمان‌های سیاسی-امنیتی منطقه‌ای
-	-	*	پایگاه‌های نظامی

(منبع: نگارندگان)

## ۲- متغیر اقتصادی

تجارت، حمل و نقل، انرژی و فعالیت‌های عمرانی مهم‌ترین بخش‌ها در حوزه پیوندهای اقتصادی میان ایران و آسیای مرکزی به شمار می‌روند. آسیای مرکزی با بیش از ۶۰ میلیون جمعیت می‌تواند بازار مناسبی برای کالاهای ایرانی باشد و زمینه را برای حضور پررنگ ایران در این منطقه فراهم آورد. در سطح منطقه‌ای نیز تلاش ایران برای توسعه سازمان اکو نشانه علاقه تهران به توسعه تجارت منطقه‌ای در آسیای مرکزی است (کولایی و مؤدب، ۱۳۸۸). در بخش حمل و نقل جمهوری اسلامی ایران با اتصال راه‌آهن ایران به آسیای مرکزی امکان ارتباط ریلی آسیای مرکزی با آب‌های آزاد را فراهم آورد. ساخت راه‌آهن قزاقستان-ترکمنستان-ایران از دیگر اقدام‌های صورت گرفته برای توسعه مسیرهای حمل و نقلی میان ایران و آسیای مرکزی بود. افتتاح بخشی از راه‌آهن خواف-هرات در آذر ۱۳۹۹ گام دیگری برای توسعه مسیرهای ارتباطی میان ایران و آسیای مرکزی است (Ramachandran, 2021).

در حوزه انرژی صدور گاز ترکمنستان از مسیر ایران به ترکیه یکی از اولین همکاری‌های دو طرف در این زمینه بود که با مخالفت واشینگتن متوقف شد. در نوامبر ۲۰۲۱ در حاشیه نشست سازمان همکاری اقتصادی طرح معاوضه گازی امضا شد. براساس این توافق، ترکمنستان روزانه ۵ تا ۶ میلیون مترمکعب گاز به جمهوری آذربایجان از مسیر ایران می‌فروشد (DW, 28/11/2021). در حوزه همکاری نفتی می‌توان از دو طرح معاوضه نفت و خط لوله قزاقستان-ترکمنستان-ایران نام برد که البته طرح دوم با مخالفت آمریکا متوقف شد. حضور فعال شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی آخرین بخش از پیوندهای اقتصادی ایران و آسیای مرکزی است. این فعالیت‌ها به طور ویژه در تاجیکستان متمرکز بوده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ساخت نیروگاه آبی سنگ‌توده و تونل انزاب و ساخت مسیر خاروغ-کاشغر اشاره کرد (Farrar-Wellman, 2010).

با وجود گسترش روابط، جایگاه اقتصادی ایران در این منطقه چشمگیر نیست. حضور چین و روسیه در بخش‌های انرژی و حمل و نقل و همکاری با جمهوری‌های منطقه در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و سازمان شانگهای حاکی از نقشه برجسته پکن و مسکو در این زمینه است. در بخش تجاری نیز ایران در جایگاه پایین‌تری در مقایسه با چین، روسیه و حتی ترکیه قرار دارد. جمهوری‌های آسیای مرکزی در سال‌های اخیر در میان ۱۰ شریک اول ایران جایی نداشتند؛ حال آن‌که در این سال‌ها کشورهای همسایه و منطقه‌ای از جمله عراق، امارات متحده، ترکیه، افغانستان، پاکستان، عمان و هند سهم بزرگی از بازار صادراتی ایران را در اختیار داشتند.

جدول شماره ۲- میزان صادرات کشورهای آسیای مرکزی به کشورهای روسیه، چین، ترکیه و ایران

۲۰۲۰-۲۰۱۵

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	
۱۶.۴۳۴.۹۲۳	۱۷.۷۷۶.۶۲۲	۱۶.۶۳۱.۵۳۶	۱۳.۸۱۹.۳۸۵	۹.۹۰۱.۶۶۹	۱۳.۳۷۳.۱۸۷	چین
۶.۶۶۴.۵۲۷	۸.۱۰۳.۸۰۵	۷.۳۶۵.۴۷۴	۶.۴۷۱.۳۸۷	۴.۰۳۶.۱۴۹	۴.۸۶۳.۶۰۰	روسیه
۳.۶۷۷.۶۱۱	۳.۹۵۰.۸۴۷	۲.۷۴۹.۶۶۷	۲.۷۵۲.۰۵۵	۱.۵۶۴.۳۱۶	۲.۱۷۲.۲۴۰	ترکیه
۲۷۵.۸۲۲	۵۴۱.۵۹۵	۶۴۹.۴۷۲	۷۹۸.۰۸۷	۶۲۹.۹۱۸	۶۴۱.۰۳۷	ایران

(منبع: برآورد برپایه داده‌های سایت سازان توسعه تجارت ایران)

جدول شماره ۳- میزان واردات کشورهای آسیای مرکزی از کشورهای روسیه، چین، ترکیه و ایران

۲۰۲۰-۲۰۱۵

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	
۲۰.۲۷۸.۰۴۸	۲۰.۹۵۴.۰۱۰	۱۸.۵۴۲.۲۱۷	۱۶.۷۲۴.۵۰۳	۱۱.۴۸۶.۰۳۵	۱۳.۷۰۳.۴۶۶	روسیه
۱۲.۳۹۲.۰۶۳	۱۴.۳۶۰.۶۶۶	۱۱.۷۷۶.۸۳۳	۹.۸۲۳.۳۴۶	۶.۳۱۰.۳۹۳	۷.۶۹۶.۸۹۴	چین
۳.۱۰۱.۲۶۱	۳.۱۶۸.۰۵۰	۲.۶۳۵.۶۸۰	۲.۶۹۲.۳۷۶	۲.۱۶۴.۹۳۸	۲.۸۹۱.۸۹۷	ترکیه
۲۸۱.۲۰۸	۳۴۷.۵۴۲	۶۹۸.۲۱۸	۶۱۳.۶۱۴	۶۷۴.۶۷۹	۹۰۴.۱۱۰	ایران

(منبع: برآورد برپایه داده‌های سایت سازان توسعه تجارت ایران)

جدول شماره ۴- ۱۰ شریک اول تجاری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۹-۱۳۹۵

واردات					صادرات				
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵
چین	چین	چین	چین	چین	چین	چین	چین	چین	چین
۹.۸۴۵	۱۱.۲۷۳	۱۰.۴۱۴	۱۳.۲۳۶	۱۰.۷۵۳	۹.۰۷۱	۹.۵۶۳	۹.۲۸۸	۹.۰۱۲	۲۸.۳۷۰
امارات	امارات	امارات	امارات	امارات	عراق	عراق	عراق	امارات	امارات
۹.۷۵۴	۸.۹۷۹	۶.۶۱۸	۱۰.۰۵۹	۶.۴۰۷	۷.۴۳۱	۹.۰۲۷	۸.۹۹۱	۶.۷۷۱	۷.۴۸۱

۱. ارزش براساس هزار دلار

۲. ارزش براساس میلیون دلار

ادامه جدول شماره ۴- ۱۰ شریک اول تجاری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۵-۱۳۹۹

واردات					صادرات				
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵
ترکیه	ترکیه	هند	کره جنوبی	کره جنوبی	امارات	ترکیه	امارات	عراق	عراق
۴.۳۹۹	۵.۰۳۱	۲.۷۶۱	۳.۷۱۹	۳.۴۶۰	۴.۵۶۷	۵.۰۵۳	۵.۹۹۹	۶.۵۵۵	۶.۱۳۲
هند	هند	ترکیه	ترکیه	ترکیه	ترکیه	امارات	افغانستان	کره جنوبی	ترکیه
۲.۱۴۱	۳.۶۹۲	۲.۶۳۶	۳.۲۲۲	۲.۷۳۸	۲.۵۳۴	۴.۳۶۸	۲.۹۴۸	۴.۳۸۶	۳.۲۴۸
آلمان	آلمان	آلمان	آلمان	آلمان	افغانستان	افغانستان	کره جنوبی	ترکیه	کره جنوبی
۱.۸۵۱	۲.۱۱۸	۲.۴۸۹	۳.۰۹۴	۲.۵۳۷	۲.۲۹۶	۲.۳۷۳	۲.۶۱۶	۳.۹۶۳	۲.۸۷۷
روسیه	روسیه	سوئیس	هند	هند	هند	هند	ترکیه	افغانستان	هند
۱.۰۷۰	۱.۱۷۷	۲.۱۱۶	۲.۲۵۸	۱.۹۵۵	۱.۲۸۱	۱.۵۸۲	۲.۳۸۱	۲.۷۸۵	۲.۷۹۱
انگلیس	سوئیس	کره جنوبی	سوئیس	روسیه	پاکستان	پاکستان	هند	هند	افغانستان
۱.۰۳۳	۱.۱۵۱	۲.۰۶۵	۲.۱۶۰	۱.۵۷۳	۱.۰۱۶	۱.۱۱۳	۲.۰۴۷	۲.۷۳۶	۲.۴۵۹
سوئیس	انگلیس	روسیه	فرانسه	ایتالیا	اندونزی	اندونزی	پاکستان	پاکستان	ژاپن
۹۳۴	۱.۰۹۲	۱.۳۵۴	۱.۷۷۱	۱.۲۲۷	۶۷۴	۹۱۵	۱.۲۶۷	۹۱۹	۱.۱۳۹
هلند	ایتالیا	هلند	هلند	برزیل	ج. آذربایجان	تایلند	عمان	تایلند	پاکستان
۸۹۰	۱.۰۱۶	۱.۱۷۳	۱.۴۴۰	۱.۲۰۸	۵۱۱	۶۴۰	۷۵۷	۷۳۴	۷۹۶
ایتالیا	هلند	ایتالیا	ایتالیا	سوئیس	روسیه	عمان	اندونزی	اندونزی	تایوان
۶۸۷	۱.۰۰۵	۱.۱۵۴	۱.۴۳۷	۱.۱۸۷	۵۰۳	۵۳۳	۷۵۵	۶۴۹	۵۵۲

(منبع: سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران)

### ۳- متغیر فرهنگی

با فروپاشی اتحاد شوروی زمینه نفوذ گفتمان‌های مختلف فرهنگی ایرانی، روسی، ترکی، عربی و غربی در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی ایجاد شد. در آسیای مرکزی با جمعیت غالب مسلمان و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و تمدنی بستری مناسب برای توسعه نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فراهم بود. این زمینه در چارچوب میراث مشترک اسلامی-ایرانی می‌تواند شالوده تجدید حیات

هویت مشترکی باشد که امروزه کم‌رنگ شده است. در این زمینه جمهوری اسلامی ایران با استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی در کنار معرفی فرهنگ اسلامی به منطقه؛ پیوندهای تاریخی، دینی، قومی و زبانی خود با مردم آسیای مرکزی را زمینه فعالیت‌های متنوع فرهنگی قرار داد (سنایی، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

## ث- میراث مشترک اسلامی-ایرانی در آسیای مرکزی

همان‌گونه که اشاره شد میراث مشترک اسلامی-ایرانی می‌تواند بستری برای توسعه روابط میان ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی باشد. این ظرفیت در قالب عناصری چون حیات دینی عقل‌گرا، میراث تصوف، جلوه‌های تشیع و مولفه‌های تاریخی-تمدنی قابل دسته‌بندی است.

### ۱- حیات دینی عقل‌گرا

در میان مذهب‌های اهل سنت و تشیع فرقه‌های گوناگون کلامی و فقهی وجود دارد. فقه حنفی و کلام ماتریدی جریان‌های غالب در آسیای مرکزی هستند. روش کلامی ماتریدی بر دو پایه عقل و نقل قرار دارد. آرا و روش ماتریدی در زمینه توجه به عقل به معتزله و امامیه بسیار نزدیک است. فقه اهل سنت شامل دو جریان اصلی است: اصحاب حدیث و اصحاب رأی. اصحاب حدیث در برخورد با معارف دینی بیشتر بر نقل و احادیث تکیه دارند. برخلاف اصحاب حدیث، اصحاب رأی قائل به اجتهاد در مواجهه با مسائل دینی هستند و دیدگاه‌شان به گونه‌ای مشابه جریان اصولی در فقه شیعه است. در میان ۴ مذهب اهل سنت، ۳ مذهب مالکی، حنبلی و شافعی از اصحاب حدیث شمرده می‌شوند و مذهب حنفی به عنوان مذهب غالب در آسیای مرکزی از اصحاب رأی به شمار می‌رود (Miri and Others, 2021: 5). کلام امامیه به عنوان مکتب کلامی شیعی بر بهره‌مندی هم‌زمان از دو بال عقل و وحی در پیشبرد فرایند معرفت کلامی تاکید دارد؛ اصولی‌ها یا فقه اجتهادی نیز به عنوان جریان اصلی فقهی در ایران اهمیت زیادی به استدلال می‌دهند و معتقدند در صورت نبود وجود حدیث یا آیه در مورد موضوعی، می‌توان از راه استنباط‌های عقلی به احکام دست یافت (Saeidinasab, 2014). به این ترتیب ریشه‌دار بودن فقه حنفی و کلام ماتریدی در آسیای مرکزی و غلبه جریان اصولی و کلام امامی در ایران نشانه برتری جریان‌های عقل‌گرا در حوزه فقهی و کلامی در این دو پهنه جغرافیایی است.

## ۲- میراث تصوف

فرهنگ و ادبیات ایران بیش از هر جامعه‌ای با تصوف و عرفان آمیخته است. مرکز تصوف ایران خراسان قدیم بود و مرکز آن شهر بلخ از مرکزهای بوداییان ایران به شمار می‌رفت؛ بنابراین، حضور تصوف در زندگی ملی و تاریخ ایران غیرقابل انکار است (Ghadamyari, 2012: 1). تصوف نقش مهمی در گسترش اسلام در آسیای مرکزی بر عهده داشت. پس از یورش مغول‌ها صوفیان به یکی از ارکان مهم در ساختار قدرت آسیای مرکزی تبدیل شدند. با برتری روس‌ها بر این منطقه، تلاش برای مبارزه با آن‌ها و برپایی شریعت اسلامی در جامعه، به بخشی از هدف‌های طریقت‌های صوفی تبدیل شد. با روی کار آمدن بلشویک‌ها سرکوب‌های شدید و شرایط خفقان‌آوری بر مسلمانان از جمله جریان‌های صوفی تحمیل شد. پس از استقلال نیز با وجود ادامه بعضی از سیاست‌های ضدمذهبی از سوی رهبران آسیای مرکزی، آن‌ها حمایت خود را از این جریان ابراز داشته‌اند (Khalid, 2014:120).

## ۳- جلوه‌های تشیع

گرایش‌های شیعی از قدیم در وراورد وجود داشته است. امروزه جمعیت‌های شیعی در نقاط مختلف آسیای مرکزی حضور دارند. در تاجیکستان شیعیان به دو دسته امامی و اسماعیلی تقسیم می‌شوند. نام «علی» در تاجیکستان، نام مقدس و رایجی است. مراسم نام‌گذاری فرزندان و درج نام آن‌ها در پشت جلد قرآن مجید، مراسم ازدواج، مراسم تدفین، برگزاری مراسم فوت، ختم و شب هفتم و چهلم و سال و نوع عزاداری زنان به شکل اسلامی ایرانی است. اکثریت جمعیت ازبکستان را مسلمانان حنفی مذهب تشکیل می‌دهند؛ با این حال اقلیتی از شیعیان در آن کشور حضور دارند که بیشتر در شهرهای سمرقند و بخارا سکونت دارند. بیشتر شیعیان ازبکستان را شیعیان ایرانی‌تبار و اثنی‌عشری تشکیل می‌دهند. آن‌ها به شدت تحت تأثیر فرهنگ ایران و مذهب تشیع هستند و بخش مهمی از هویت ملی خود را از اسلام شیعی و نژاد ایرانی می‌گیرند (Rotar, 2004: 1-2). شیعیان ترکمنستان بیشتر از آذری‌تبارها تشکیل شده‌اند. آن‌ها احترام خاصی برای امام رضا (ع) قائلند. در قزاقستان و قرقیزستان تعداد شیعیان بومی بسیار اندک است و بیشتر پیروان تشیع را در این کشور، ایرانی‌ها، افغان‌ها و به‌ویژه آذری‌تبارها تشکیل می‌دهند. در مجموع با وجود تبلیغ‌های ضد شیعی، غالب مردم منطقه نگاه مثبتی به تشیع دارند. جریان تصوف به عنوان یک جریان ریشه‌دار در

آسیای مرکزی احترام خاصی برای اهل بیت قائلند (زمانی محبوب، ۱۳۹۵: ۳۰).

#### ۴- مولفه‌های تاریخی و تمدنی

پیشینه روابط تاریخی آسیای مرکزی با ایران به قبل از پیدایش اسلام برمی‌گردد. با ورود اسلام، ورارود تبدیل به یکی از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی جهان اسلام شد. حمله مغولان ضربه‌های جبران ناپذیری بر آسیای مرکزی وارد آورد. در زمان تیمور این منطقه رونقی دوباره یافت که دیری نپائید. پس از تیموریان حاکمیت این نواحی به دست اقوام بیابانگرد و چادرنشین افتاد. از این دوران به بعد، یکپارچگی این سرزمین‌ها جای خود را به امارت‌ها و خان‌نشین‌های متعددی داد که روند افول تمدن و فرهنگ ورارود را تا قرن نوزدهم تسریع کرد. پیوندهای زبانی با آسیای مرکزی از مهم‌ترین امتیازهای جمهوری اسلامی ایران است. در میان زبان‌های متعدد ایرانی، فارسی یگانه زبانی است که به نفوذی قابل ملاحظه دست یافت. زبان فارسی نقش مهمی در تبلیغ اسلام در آسیای مرکزی داشت. ارتباط‌های فرهنگی در طول تاریخ سبب شده است کشورهای آسیای مرکزی، پس از استقلال، به آموزش زبان فارسی در کشورهاشان توجه داشته باشند. تعداد زیادی از اساتید زبان فارسی در دانشگاه‌های تاشکند تحصیل کرده‌اند. در دانشگاه مختوم‌قلی در ترکمنستان زبان فارسی تدریس می‌شود؛ علاوه بر این در کشورهای قرقیزستان و قزاقستان نیز زبان و ادبیات فارسی مورد توجه است (سنایی، ۱۳۹۰: ۲۸۷-۲۸۰).

زندگی مشترک در یک پهنه جغرافیایی موجب شد که کشورهای حوزه ایران بزرگ رسوم مشترکی داشته باشند. از جمله این رسوم مشترک که در طول تاریخ از راه فرهنگ ایرانی گسترش و تثبیت یافته، عید نوروز است. عید نوروز برای مردم تاجیکستان به ویژه مردم بدخشان عید ملی نیاکان است. نوریز نام سومین ماه در تقویم قزاقی است و برای مردم این کشور، اهمیتی برابر با عید فطر و عید قربان دارد. در قرقیزستان عید نوروز از نخستین لحظه بامداد ۲۱ مارس آغاز می‌شود و تا غروب همان روز ادامه می‌یابد. در ازبکستان نوروز ییلباشی و جیلباشی خوانده می‌شود و به عنوان یکی از اعیاد ملی مورد شناسایی و احترام است. نوروز به عقیده ترکمن‌ها، روز اعتدال بهاری است و بر این باورند که جمشید در این روز بر تخت سلطنت نشسته است (حق‌پناه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

در مجموع پیوندهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی در قالب میراث مشترک اسلامی-ایرانی ظرفیت منحصر به فردی را در اختیار ایران قرار می‌دهد. مقایسه

ظرفیت‌های تهران با دیگر گفتمان‌های فرهنگی رقیب در این زمینه حاکی از برتری جایگاه جمهوری اسلامی ایران در این حوزه است.

جدول شماره ۵- ظرفیت فرهنگی ج.ا. ایران در مقایسه با گفتمان‌های فرهنگی رقیب در آسیای مرکزی

تمدنی	دینی	قومی/زبانی	تاریخی	
نوروز به عنوان جلوه‌ای از تمدن کهن ایرانی	دین اسلام	زبان فارسی و قوم تاجیک به عنوان تنها قوم فارس‌زبان آسیای مرکزی	پیشینه غنی تاریخی در دو دوره پیشا و پسا اسلامی	ایران
-	دین اسلام	زبان و قوم ترک	-	ترکیه
-	-	زبان و قوم روس	پیوندهای تاریخی در دو دوره تزاری و کمونیستی	روسیه
-	دین اسلام	-	-	جریان‌های عربی
-	-	-	-	ایالات متحد

(منبع: نگارندگان)

## د- دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

قدرت نرم از مهم‌ترین ابزارهایی است که دولت‌ها برای توسعه و تثبیت نفوذ خود از آن استفاده می‌کنند. حوزه فرهنگی به عنوان جلوه‌ای از قدرت نرم نقش برجسته‌ای در سیاست خارجی ایفا می‌کند. با پیروزی انقلاب اسلامی، دیپلماسی فرهنگی در خدمت سیاست خارجی ایران قرار گرفت تا علاوه بر معرفی آرمان‌ها و هدف‌های ایران، اتهام‌ها و تبلیغ‌های منفی علیه آن را نیز خنثی کند (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵۳). آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه نوظهور و واجد پیوندهای متعدد با ایران از اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است؛ در این زمینه تهران اقدام‌های مختلفی را در این حوزه نوین منطقه‌ای انجام داد که به شرح زیر است:

### ۱- ازبکستان

روابط جمهوری ازبکستان با جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگی در دهه اول پس از



استقلال این کشور، به دلیل مسایل و مشکلاتی که بیشتر از حساسیت‌ها یا سوء تفاهم‌های مقام‌های ازبکی در چگونگی تعامل با ایران ناشی می‌شد با رکود نسبی همراه بود. (سنایی، ۱۳۹۰: ۲۹۴). زبان و ادبیات فارسی یکی از نقطه‌های مشترک ملت ایران و ازبکستان محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۵ تعداد ۳۲۳ دانشجوی، زبان فارسی را به عنوان زبان نخست و ۳۰۶۱ دانشجوی، زبان فارسی را به عنوان زبان دوم خود در دانشگاه‌های مختلف ازبکستان فراگرفته‌اند. هم‌چنین در این سال، ۴۳ استاد به تدریس زبان فارسی مشغول بوده‌اند. در همین زمینه در سال ۱۳۹۳ بیش از سه هزار دانشجو در ۱۵ دانشگاه و دبیرستان در شهرهای مختلف ازبکستان، فارسی را به عنوان زبان دوم و ۳۵۰ دانشجو، به عنوان زبان اول فراگرفتند. هم‌چنین حدود ۱۳۰ هزار دانش‌آموز، ادبیات فارسی-تاجیکی را در مدارس تاجیکی آموختند. علاوه بر این هر سال تعداد ۵ تا ۱۰ دانشجوی زبان فارسی از دانشکده شرق‌شناسی ازبکستان به منظور گذراندن دوره دانش‌افزایی زبان فارسی به تهران سفر می‌کنند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۴۳۰-۴۲۹). در این زمینه رایزنی فرهنگی ایران در تاشکند برای گسترش زبان فارسی در این کشور با همکاری بنیاد سعدی و مراکز علمی، اقدام به برگزاری دوره‌های تربیت مدرس آموزش زبان فارسی، تاسیس کرسی‌های زبان فارسی و اتاق‌های ایران در دانشگاه‌های دولتی و چند مرکز علمی این کشور مانند دانشگاه شرق‌شناسی، دانشگاه دولتی تربیت مدرس تاشکند، دانشگاه اسلامی تاشکند، دانشگاه ملی ازبکستان، دانشگاه زبان‌های جهان، پژوهشگاه شرق‌شناسی و ابوریحان بیرونی کرده است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۳).

در حوزه گردشگری میراث تاریخی، آداب و رسوم و تبلور فرهنگ اسلامی-ایرانی در شهرهایی مانند سمرقند، خیوه، خوارزم، بخارا و ترمذ در ازبکستان و مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز، یزد و کرمان در ایران؛ این بخش را به ظرفیتی ویژه در زمینه توسعه روابط فرهنگی دو جانبه تبدیل کرده است. این مسئله مورد تاکید مقام‌های دو کشور قرار دارد و در این زمینه اقدام‌هایی نیز با برقراری تورهای گردشگری صورت گرفته است (موسسه فرهنگی اکو، ۱۹ مهر ۱۳۹۹).

## ۲- تاجیکستان

در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی دیپلماسی فرهنگی ایران بیش از همه بر تاجیکستان متمرکز است. تاجیکستان بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و تمدن ایرانی است که به ویژه در دوره‌ی سامانیان مرکز تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است (Anderson, 2019: 10). اولین قرارداد همکاری علمی

با تاجیکستان در سال ۱۹۹۶ و میان آکادمی علوم تاجیکستان و دانشگاه مشهد بسته شد. با تلاش ایران در شهرهای دوشنبه، خجند، کولاب و اوراتپه کتابخانه‌هایی با چندین هزار جلد کتاب در رشته‌های گوناگون علمی راه اندازی و اتاق‌های ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند دایر شد (ملکیان، ۱۳۹۱: ۱۰۹). در سال ۱۳۸۱ سند همکاری میان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با وزارت معارف تاجیکستان در خصوص تبادل استاد و دانشجو و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان امضا شد. هم‌چنین در سال ۱۳۹۰ توافقی برای افزایش تعداد بورسیه‌ها صورت گرفت. از دیگر حوزه‌های همکاری در حوزه دانشگاهی می‌توان به امضای تفاهم‌نامه و برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی میان دانشگاه‌های تاجیکستان با دانشگاه المصطفی اشاره کرد (جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۳).

پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی وابسته به سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه از دیگر اقدام‌های ایران در جهت توسعه مناسبات فرهنگی میان دو ملت است. این مرکز در سال ۱۳۷۴ تأسیس شد. تعمیق روابط دو کشور از راه کمک به ایجاد ادبیات جدید فرهنگی در حوزه شرقی تمدن ایرانی، نشر مجله‌های نامه پژوهشگاه و اندیشه، ترجمه و انتشار کتاب‌ها و مقاله‌های دانشمندان ایرانی به خط سیریلیک، مشارکت در تألیف کتاب‌های پژوهشگران تاجیک، همکاری در امور فرهنگی سفارت مانند تهیه مقاله برای همایش‌ها و کمک به دانشجویان ایرانی و تاجیک دوره دکتری در امور پژوهشی، همکاری با آکادمی‌ها، دانشگاه‌ها و مرکزهای فرهنگی در زمینه‌های مشترک و توزیع آثار ایرانی از جمله کارنامه این پژوهشگاه در طول دوره فعالیت خود بوده است (<https://pertoj.com>).

از زمان استقلال تاجیکستان، ایران به تولید و انتشار کتاب‌های درسی برای آموزش الفبای فارسی در تاجیکستان کمک فراوانی کرده است. رایزنی فرهنگی ایران در دوره‌های مختلف این کتاب‌ها را منتشر کرده است و تلاش داشته تا معلمان تاجیک را برای آموزش آن‌ها تربیت کند و از کلاس‌های آموزش این کتاب‌ها حمایت مادی کرده است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران در چندین نوبت فرهنگ لغت‌هایی با هزاران اصطلاح فارسی تازه ایجاد شده را به کمیته زبان و اصطلاحات تاجیکستان هدیه داده است. اولین کتاب در این حوزه پس از امضای قرارداد فرهنگی توسط دولت هاشمی رفسنجانی و دولت آشتی ملی تاجیکستان در ژوئن ۱۹۹۲ طراحی و منتشر شد (Clark, 2015: 166). در بخش هنری و رسانه نیز راه‌اندازی رادیو تاجیکی، تلاش برای تشکیل تلویزیون مشترک، پخش تولیدات سینمایی و همکاری گروه‌های نمایشی از مهم‌ترین اقدام‌ها در این حوزه است

(ملکیان، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۶).

تفاهم نامه فرهنگی ایران و تاجیکستان در سال ۲۰۱۴ در دولت روحانی ابعاد جدیدی به همکاری‌های فرهنگی دو کشور داد. براساس این قرارداد، برنامه‌های همکاری‌ها و دادوستدهای فرهنگی دو کشور هر سه سال یکبار امضا می‌شود. قرارداد سال ۲۰۱۴ که قرار بود تا سال ۲۰۱۸ ادامه داشته باشد، مواردی چون همکاری در زمینه‌های فیلم، نمایشگاه‌های فرهنگی، هفته‌های فرهنگی، هفته فیلم، مشارکت دو کشور در جشنواره‌های ایران و تاجیکستان، همکاری‌های علمی، حفظ و مرمت آثار تاریخی و کتاب‌های خطی، هنرهای نمایشی، موسیقی و هنرهای تجسمی را در بر می‌گرفت (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۵۶).

### ۳- ترکمنستان

زبان فارسی یکی از مولفه‌های همکاری فرهنگی میان ایران و ترکمنستان محسوب می‌شود. نسخه خطی برجای مانده از «مختوم قلی» شاعر پرآوازه ترکمن با الفبای فارسی نگاشته شده و این موضوع نشان‌دهنده ارتباط دیرینه زبان و فرهنگ ترکمنی با فرهنگ و تمدن ایرانی است (بصیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶). با توجه به این اشتراک، مراکز آموزش زبان فارسی متعددی در ترکمنستان توسط نهادهای فرهنگی ایران دایر شده است. هم چنین زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی در مدارس ترکمن تدریس می‌شود (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵: ۲۷). در سال ۱۳۸۱ موافقت‌نامه همکاری‌های بلندمدت اقتصادی-بازرگانی، علمی-فنی و فرهنگی میان دولت ایران و ترکمنستان منعقد شد که در آن دو کشور توافق کردند هر دو سال یک بار، یک برنامه مبادله فرهنگی، آموزشی و علمی و رسانه‌ای میان دو کشور تدوین کنند. هم چنین هر سال هفته فرهنگی و جشنواره فیلم جمهوری اسلامی ایران و چندین نمایشگاه فرهنگی و هنری در عشق‌آباد برگزار می‌شود. در مجموع ترجمه و انتشار آثار بزرگان مشترک دو کشور به زبان‌های ترکمنی و فارسی، برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی، برگزاری جشن‌ها مانند نوروز، میلاد پیامبر، حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س)، برگزاری کنفرانس‌های مشترک فرهنگی، برپایی نمایشگاه‌های متعدد فرهنگی و هنری و ترجمه فیلم‌های سینمایی ایرانی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی انجام شده ایران در ترکمنستان بوده است (حق‌پناه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۲).

#### ۴- قرقیزستان

پیوندهای تاریخی و فرهنگی دو ملت ایران و قرقیزستان فراوان است. از نظر باورهای برخاسته از اسطوره‌های داستانی، مردم قرقیزستان نسبت به ایران نگرش مثبتی دارند و به نوعی با ایرانی‌ها احساس نزدیکی و خویشاوندی می‌کنند. قرقیزها بر این نظرند که همسر مناس، قهرمان حماسی آن‌ها، دختر خان بخارای فارس‌زبان بوده است. این زن و شوهر دلاور، پایه‌گذار استقلال و موجودیت قرقیزها هستند. با این ازدواج سرنوشت قرقیزها و فارس‌زبان‌ها به هم پیوند خورده است. روابط فرهنگی ایران و قرقیزستان تاکنون از روند روبه رشدی برخوردار بوده است. بر همین اساس، اولین موافقت‌نامه فرهنگی دو کشور در سال ۱۹۹۳ امضا شد. در سفر حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت ایران به بیشکک در سال ۱۳۹۵ یک سند همکاری ۱۰ ساله میان دو طرف در حوزه‌های سیاسی-اقتصادی و فرهنگی به امضا رسید. در این سند بسیاری از زمینه‌های فرهنگی مانند علمی-دانشگاهی، هنری، نمایی و ورزشی مورد توجه قرار گرفت (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۵/۱۰/۳).

روابط دانشگاهی یکی از حوزه‌های مهم همکاری میان دو کشور را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر در دانشگاه‌های قرقیزستان شامل دانشگاه اسلاویانی، دانشگاه علوم انسانی، دانشگاه آرابایف و دانشگاه ملی قرقیزستان کرسی زبان فارسی، اسلام‌شناسی و خبرنگاری دایر است. هم‌چنین میان دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه‌های آرابایف و اسلاویانی تفاهم‌نامه همکاری به امضای مسئولان رسیده است. علاوه بر این مدارک تحصیلی سه دانشگاه قرقیزستان یعنی دانشگاه ملی، دانشگاه پلی‌تکنیک رزاق‌اف و دانشگاه روسی-قرقیزی اسلاویانی مورد تأیید وزارت علوم و تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران است (بنیاد سعدی، ۱۳۹۵/۵/۲). ایجاد رشته دانشگاهی اسلام‌شناسی در دانشگاه ملی قرقیزستان که به زبان فارسی تدریس می‌شود و نیز فعال کردن موسسه اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشگاه علوم انسانی بیشکک از اقدام‌های علمی و فرهنگی ایران در قرقیزستان است. از دیگر اقدامات انجام گرفته در حوزه زبان فارسی می‌توان به تاسیس بخش آموزش این زبان در وزارت امور خارجه قرقیزستان اشاره کرد (سنایی، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

#### ۵- قزاقستان

قرار گرفتن بخش جنوبی قزاقستان در حوزه خراسان بزرگ سبب پدید آمدن نزدیکی با زبان و

فرهنگ ایرانی شده است. بر این اساس نخستین مراودات فرهنگی میان دو کشور در سال ۱۹۹۳ آغاز شد. در سال‌های اخیر ارتباطات فرهنگی و دانشگاهی ایران و قزاقستان افزایش یافته است که از جمله آن می‌توان به تبادل دانشجوی، ترجمه آثار و برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های گوناگون اشاره کرد. میان دانشگاه‌های ایران از جمله شهید بهشتی، تهران، امام خمینی، علامه طباطبایی، آزاد اسلامی، گیلان، الزهرا (س) و دانشگاه‌های قزاقستان از جمله فارابی، آبی، اوراسیا، ژیمپو و نظریات قرار دادهای همکاری‌های علمی جهت تبادل استاد و دانشجوی و برگزاری سمینارهای علمی بسته شده است (بصیری، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۱).

گسترش زبان و ادبیات فارسی از دیگر بخش‌های فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان است. امروزه زبان و شعر فارسی در قالب رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری، شاهنامه فردوسی، غزلیات حافظ و دیگر بزرگان شعر ایرانی مانند سعدی، مولانا، عطار و نظامی مورد توجه جامعه فرهنگی و عموم مردم قزاقستان قرار داد. به همین دلیل در حوزه توسعه زبان فارسی تاکنون همکاری‌های مختلفی میان دو طرف صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۰ و بعد از سفر سفیر ایران به جنوب قزاقستان توافق شد که زبان فارسی، زبان اول دانشگاه دولتی آن منطقه باشد. علاقه مردم قزاقستان به زبان فارسی و تلاش‌های رایزنی فرهنگی ایران در قزاقستان تا آن جاست که در سال‌های اخیر حدود ۲ هزار نفر فارسی‌آموز در دانشگاه‌ها و مدرسه‌های قزاقستان زبان فارسی را یاد گرفته‌اند. بنیاد سعدی در جهت گسترش زبان فارسی و گسترش روابط در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی تاکنون تفاهم‌نامه‌های مختلفی را با دانشگاه‌های قزاقستان از جمله دانشگاه فارابی و دانشگاه ملی اوراسیا امضا کرده است (بنیاد سعدی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۵). از دیگر فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در این حوزه حمایت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری از کرسی‌های متعدد زبان و ادبیات فارسی در قزاقستان بوده است. ایران در آلماتی واحد آموزشی، کتابخانه و واحد دیداری و شنیداری دارد. هم‌چنین مرکز فرهنگی ایرانیان در شهر چیمکنت نیز با توجه به تعداد زیاد ایرانی‌تبارهایی که در این شهر و اطراف آن زندگی می‌کنند، اهمیت زیادی دارد (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶۰). در جهت توسعه بیشتر روابط فرهنگی میان دو کشور، در سفر قاسم ژومارت توکیف رئیس‌جمهوری قزاقستان به ایران در بهار ۲۰۲۲ تفاهم‌نامه مبادله‌های فرهنگی میان وزارت فرهنگ ایران و وزارت فرهنگ و ورزش قزاقستان امضا شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۱۴۰۱).

## ذ- منافع حاصل از کاربست رویکرد فرهنگی در روابط با جمهوری‌های آسیای مرکزی

با وجود میراث مشترک اسلامی-ایران؛ توجه به جهت‌گیرهای فرهنگی منافع مختلفی برای ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی به دنبال خواهد داشت که می‌توان آن‌ها را به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

### ۱- احیای ارزش‌های مشترک میان ایران و آسیای مرکزی

تمدن اسلامی-ایرانی پیوندی چند صد ساله را میان مردمان دو منطقه فراهم آورده است. فروپاشی شوروی فرصتی تاریخی برای احیای این پیوندها متناسب با شرایط تازه فراهم آورد. استواری پیوندها به گونه‌ای است که اندک یادآوری از گذشته، حافظه تاریخی این اقوام را فعال می‌کند و اصل و اساس فرهنگ و تمدن مشترک آن‌ها را با ایران آشکار می‌سازد؛ موضوعی که توسعه روابط دو طرف را به همراه خواهد داشت (Koolae, 2012: 170).

### ۲- مقابله با تهدید سلفی‌گری

با فروپاشی اتحاد شوروی ادبیات افراطی اسلامی در مساجد، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی آسیای مرکزی افزایش یافت. در مرام‌نامه پیکارجویان اسلامی در آسیای مرکزی بر اهمیت مسائل سیاسی و تشکیل دولت یا خلافت اسلامی تاکید شده است (Lang, 2013: 22). خوانش این گروه‌ها از اسلام نیز تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی ایران است. از این‌رو کاربست اسلامی میانه‌رو مبتنی بر رویکردهای فرهنگی و عقلانی برای مقابله با آن ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳- خنثی‌سازی ایران‌هراسی در میان نخبگان حاکم در آسیای مرکزی

با استقرار دولت‌های جدید در آسیای مرکزی رهبران جمهوری‌های منطقه اسلام‌سیاسی را جدی‌ترین رقیب خود می‌دانستند. به همین جهت از همان ابتدا اتهام‌ها مبنی بر تلاش تهران برای استقرار حکومت‌های مشابه با مدل جمهوری اسلامی در میان نخبگان منطقه مطرح بود (کولایی و خوانساری، ۱۳۹۳: ۲۶۱-۲۶۰). عملکرد ایران در دوره پسافرپاشی بی‌پایه بودن این دیدگاه‌ها را اثبات ساخته است؛ با این وجود پیگیری اقدام‌های اعتمادساز ضروری است. از این‌رو به نظر می‌رسد

برجسته‌سازی پیوندهای فرهنگی-تمدنی و ساختن شالوده روابط بر پایه این میراث غنی و درخشان در کنار تبیین اهداف و رویکردهای ایران در ارتباط با منطقه آسیای مرکزی، منجر به تصویرسازی مثبت از جمهوری اسلامی ایران در میان نخبگان منطقه و کاهش حساسیت‌ها در قبال نقش تهران در آسیای مرکزی خواهد شد.

#### ۴- به‌کارگیری مولفه‌های بومی و معنایی در نهادسازی منطقه‌ای

فروپاشی اتحاد شوروی سبب توجه بازیگران خارجی و اهمیت یافتن روندهای منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی شد. از ابتدای استقلال جمهوری‌های منطقه، سازمان‌های متعددی در راستای گسترش همگرایی در منطقه ایجاد شده است که کارکرد اغلب آن‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی-نظامی و با هدایت قدرت‌های خارجی بوده است (Patnaik, 2019: 1). تمرکز بر رویکردهای فرهنگی به منطقه‌گرایی، به کاربست مولفه‌های معنایی و ظرفیت‌های بومی در نهادسازی منطقه‌ای در آسیای مرکزی منجر خواهد شد. پیشینه و پویایی این مولفه‌ها، مانایی این سازوکارها و توسعه روابط منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت.

#### نتیجه

با استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، ایران روابط با کشورهای منطقه را در سه بخش سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی دنبال کرد. جرائم سازمان یافته، بنیادگرایی اسلامی، مسائل مربوط به دریای خزر و حضور نیروهای خارجی در آسیای مرکزی از مهم‌ترین محورهای روابط ایران با جمهوری‌های منطقه در حوزه سیاسی-امنیتی بود. در بخش اقتصاد، جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های متعددی را در این سال‌ها انجام داده است. همکاری در زمینه انتقال انرژی، تلاش برای توسعه روابط در بخش حمل و نقلی، فعالیت‌های عمرانی و تجاری حاکی از تلاش‌های تهران در حوزه اقتصادی است. در حوزه فرهنگی نیز ایران با داشتن پیوندهای بسیار در گستره‌های تمدنی، تاریخی، دینی و زبانی با آسیای مرکزی از ظرفیت بی‌مانندی برخوردار است. با وجود این پیوندها و تلاش‌های صورت گرفته از سوی دولت‌های مختلف حاکم در ایران، روابط دو طرف آن‌چنان که انتظار بود پیش نرفت و تهران از موقعیت شایسته‌ای در آسیای مرکزی برخوردار نیست. این مسئله را در کنار مولفه‌های خارجی مانند

کارشکنی‌های واشینگتن و حضور رقیب‌های منطقه‌ای باید بیش از همه در نبود توجه به ظرفیت‌ها و نداشتن رویکرد مناسب در روابط با کشورهای منطقه جستجو کرد. مسئله‌ای که آشفتگی، بی‌برنامگی و مقطعی بودن سیاست خارجی تهران در این حوزه نوین منطقه‌ای را در پی داشته است.

در بخش سیاسی-امنیتی به سبب وجود قدرت‌های برجسته از جمله چین و به ویژه روسیه فرصت‌های چندانی برای کنشگری ایران فراهم نیست. از طرفی هم‌پوشانی نسبی دغدغه‌های سیاسی-امنیتی ایران با دو کشور روسیه و چین به گونه‌ای تأمین‌کننده منافع تهران در این بخش است. در حوزه اقتصادی با وجود اقدام‌های صورت گرفته از جانب تهران، فاصله زیادی میان ایران با کشورهای برتر در این بخش یعنی روسیه، چین و حتی ترکیه وجود دارد. این کشورها روابط تجاری گسترده‌ای با جمهوری‌های منطقه دارند و در این میان روسیه و چین بازیگران مسلط در حوزه انرژی و حمل و نقل منطقه هستند. علاوه بر این وجود سازمان‌هایی چون اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و سازمان شانگهای نشان‌دهنده نقش برتر این دو کشور در حوزه اقتصادی آسیای مرکزی است.

اما مولفه فرهنگی به عنوان رکن چهارم سیاست خارجی و حوزه‌ای نوین در عرصه سیاست بین‌الملل مهم‌ترین مزیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی است. پیوندهای فرهنگی در قالب میراث مشترک اسلامی-ایرانی با جمهوری‌های آسیای مرکزی ظرفیت ویژه‌ای را در مقایسه با قدرت‌های رقیب در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. از طرفی مزیت‌های این رویکرد مانند مقابله با اندیشه تکفیر از راه ارائه برداشت اعتدالی از اسلام و رقابت با گفتمان‌های ترکی، عربی و غربی سبب می‌شود که دو قدرت برتر آسیای مرکزی یعنی روسیه و چین نگرانی کمتری نسبت به آن در مقایسه با رویکردهای سیاسی-امنیتی و اقتصادی داشته باشند. به این ترتیب با توجه به وجود ظرفیت‌های منحصر به فرد در کنار حساسیت کمتر دو قدرت روسیه و چین؛ به نظر می‌رسد به کارگیری مولفه فرهنگی به عنوان رکن اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی در مقایسه با مولفه‌های سیاسی-امنیتی و اقتصادی از ظرفیت‌های بالاتری برای بیشینه‌سازی منافع تهران در این منطقه برخوردار است و می‌تواند بسترهای لازم برای توسعه روابط در دیگر حوزه‌ها و حتی نهادسازی منطقه‌ای بر پایه مولفه‌های معنایی را نیز فراهم آورد.



## منابع

### الف-منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۹۸)، «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان: زنده کردن خط نیاکان و چالش سیاست»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۲۷۰-۲۴۵.
- بصیری، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۹)، «مقایسه دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی»، جستارهای سیاسی معاصر، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۶۳-۲۹.
- حق پناه، جعفر، شیرازی موهوبی، سیمین و علیزاده، شیوا (۱۳۹۳)، قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهشیری، محمدرضا و طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴، صص ۴۲-۱.
- دهشیری، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۹)، «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی فرهنگی ایران و عربستان سعودی در آسیای مرکزی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۴۶۴-۴۴۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- زرقانی، سید هادی و همکاران (۱۳۹۹)، «اهمیت نقش و دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان»، پژوهش‌های سیاسی معاصر، سال دهم، شماره دوم، صص ۵۶-۳۱.
- زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۵)، «نقش اسلام در همگرایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی»، خراسان بزرگ، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۳۰.

- عطایی، فرهاد و سادات واسعی زاده، نسیم (۱۳۹۲)، «از روابط فرهنگی تا نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل: مروری بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره پانزدهم، صص ۴۶-۱۹.
- فتاحی اردکانی، حسین، مسعودنیا، حسین و امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)»، مطالعات قدرت نرم، سال هشتم، شماره هجدهم، صص ۱۵۳-۱۳۰.
- کولایی، الهه، ماندانا تیشه‌یار و محمود محمدی (۱۴۰۰)، *سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، دگرگونی در ساختار، ماموریت و کارکردها*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کولایی، الهه و خوانساری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «جمهوری اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره سوم، صص ۲۷۵-۲۴۳.
- کولایی، الهه و مؤدب، محمد (۱۳۸۸)، *سازمان همکاری اقتصادی، دستاوردها و چشم‌اندازها*، تهران: دانشگاه تهران.
- ملکیان، محسن (۱۳۹۱)، «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۱۱۴-۹۵.
- میرفخرایی، سیدحسن و فیروزمندی بندپی، مجید (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، فرصت‌ها و چالش‌ها»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۴۸-۴۳۳.

## ب- منابع انگلیسی

- Anderson, Lukas (2019), "Iran's New Cultural Nationalism: Iranian Cultural Diplomacy in Tajikistan", *Central Asian Affairs*, 6, 1, p. 10.
- Chossudovsky, Michel (2008), "The Eurasian Corridor: Pipeline Geopolitics and the New Cold War", Available at: <https://www.turkishnews.com/en/content/2008/08/25/the-eurasian-corridor-pipeline-geopolitics-and-the-new-cold-war/>, (Accessed on: 2/2/2022).

- Clark, Brenton (2015), “The Islamic Republic of Iran’s Relations with the Republic of Tajikistan in the Post-Soviet Period”, Available at: <https://openresearch-repository.anu.edu.au/bitstream/1885/99099/1/Clark%20Thesis%202015.pdf>, (Accessed on: 14/6/2022), p. 166.
- Dorraj, Manochehr and Entessar, Nader (2013), “Iran’s Northern Exposure: Foreign Policy Challenges in Eurasia”, *Center for International and Regional Studies Georgetown University School of Foreign Service in Qatar*, pp. 10-11.
- Farrar-Wellman, Ariel (2010), “Tajikistan-Iran Foreign Relations”, Available at: <https://www.criticalthreats.org/analysis/tajikistan-iran-foreign-relations>, (Accessed on: 20/1/2022).
- Golden, Peter B. (2011), *Central Asia in World History*, Oxford University Press.
- Griffiths, Martin. (2007), *International Relation Theory for the Twenty-First Century*, Routledge.
- Rotar, Igor (2004), “Uzbekistan: Tight Restrictions on Shia Muslim Minority”, <https://www.refworld.org/pdfid/4689189dd.pdf>, (Accessed on: 20/5/2021), pp. 1-2.
- Ghadamyari, Karamali (2012), “Sufism Impact on Iranian Society, Culture and Literature”, *European Journal of Experimental Biology*, 2 (2), p.1.
- Khalid, Adeb (2014), *Islam after Communism: Religion and Politics in Central Asia*, University of California Press.
- Khodaverdi, Hassan and Shahmohammadi, Yosef (2017), “The Role of Culture in International Relations Theories”, *International Journal of Political Science*, Vol. 7, No. 3, p. 9.
- Koolae, Elaheh (2012), “Religious Dimension of Iran’s Foreign Policy towards Central Asia”, *ORTA ASYA’DA ISLAM III*, Ankara-Turkistan, p. 170.
- Kucera, Joshua (2012), “U.S. Military Aid to Central Asia: Who Benefits?”, Available at: <https://www.opensocietyfoundations.org/publications/us-military-aid-central-asia-who-benefits>, (Accessed on: 11/2/2022).

- Lang, Jozef (2013), “The Radical Islamic Militants of Central Asia, Center for Eastern Studies”, *Center for Eastern Studies*, p. 22.
- Maleki, Abbas (2007), “The New Silk Roads: Transport and Trade in Greater Central Asia”, Available at: <https://www.silkroadstudies.org/publications/silkroad-papers-and-monographs/item/13125-the-new-silk-roads-transport-and-trade-in-greater-central-asia.html>, (Accessed on 21/6/2021), p. 179.
- Miri, Seyyed Mojtaba; Bahrami Ghasrhami, Khalil and Jafari Nejad, Masood (2021), “A Study on the Relationship between the State and the Nation in the Original Principles of Shiite Jurisprudence”, *Resistive Economics*, Vol. 9, No. 3, p. 5.
- Mohapatra, Nalin Kumar (2007), “Political and Security Challenges in Central Asia: The Drug Trafficking Dimension”, *International Studies*, 44, 2, pp: 168-169.
- Grincheva, Natalia (2015), *Cultural Diplomacy of a Different Kind: A Case Study of the Global Guggenheim*, Concordia University.
- Otmazgin, Nissim Kadosh (2012), “Geopolitics and Soft Power: Japan's Cultural Policy and Cultural Diplomacy in Asia”, *Asia-Pacific Review*, p. 41.
- Patnaik, Ajay (2019), “Regionalism and Regional Cooperation in Central Asia”, *International Studies* 56 (2-3), p.1.
- Rahimi, Omid (2014), “Iran's New Pivot to Central Asia”, Available at: <https://jamestown.org/program/irans-new-pivot-to-central-asia/>, (Accessed on: 5/6/2021).
- Ramachandran, Sudha (2021), “Iran and Afghanistan Inaugurate Cross-Border Railway”, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13670-iran-and-afghanistan-inaugurate-cross-border-railway.html>, (Accessed on: 10/2/2022).
- Saeidinasab, Fatemeh (2014), “A Description of the Theories of Akhbari and Usuli Scholars Regarding Ijtihad Focusing on the Theories of Muhammad Amin Astarabadi and Vahid Behbahani”, Available at: <https://go.gale.com/ps/i.do?p=AONE&u=googlescholar&id=GALE|A385404630&v=2.1&it=r&sid=AONE&asid=7e159f16>, (Accessed on: 14/4/2022).

- Xu, Liang (2017), The Effectiveness of Cultural Diplomacy in State Trust Building Between China and the UK, Lancaster University.

### پ- منابع الکترونیکی

- «آشنایی با پژوهشگاه»، وبسایت پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی، ۱۴۰۱/۴/۲۹: <https://pertoj.com>
- «آموزش زبان فارسی در قرقیزستان استمرار می‌یابد»، بنیاد سعدی، ۱۴۰۱/۳/۲۶: <https://saadifoundation.ir/fa/news/569>
- «امضای قرارداد گازی بین ایران، آذربایجان و ترکمنستان»، ۱۴۰۱/۱۲/۸: <https://www.dw.com/fa-ir>
- «ایران و قزاقستان تفاهم‌نامه همکاری فرهنگی امضا کردند»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۱/۴/۲۹: <https://www.irna.ir/news/84794964>
- «تفاهم‌نامه رایزنی فرهنگی و نمایندگی بنیاد سعدی با دانشگاه قزاقستان»، بنیاد سعدی، ۱۴۰۱/۳/۲۶: <https://saadifoundation.ir/fa/news/3903>
- «توسعه گردشگری میان ازبکستان و ایران»، موسسه فرهنگی اکو، ۱۴۰۱/۴/۲۸: <https://www.ecieco.org/fa/news/3244>
- «نقشه راه همکاری‌های ده ساله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان منتشر شد»، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱/۳/۲۶: <https://www.president.ir/fa/96994/printable>
- «هم‌اندیشی استادان دانشگاه خجند تاجیکستان و المصطفی»، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۴۰۱/۳/۲۶: <http://miu.ac.ir/index.aspx?pageid=161&newsview=52736>